

## ماهیت‌شناسی جنبش سیاسی شیعیان بحرین

حمید نیکو<sup>۱</sup>

### چکیده

بحرین برای جمهوری اسلامی ایران تنها در حکم یک همسایه عادی نیست، بلکه این کشور در ورود ایران به ترتیبات امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش مهمی دارد. هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین در کنار مؤلفه‌های ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده است که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد. البته ساختار سیاسی و رویکردهای بین‌المللی دولتمردان این کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در تقابل یا ناهم‌سویی معناداری با اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران از هر گونه تحولات مردم‌سالارانه که مسلماً نتیجه آن به قدرت‌یابی شیعیان خواهد انجامید، استقبال می‌کند. با این رویکرد، ایران در تحولات و اعتراضات مردمی بحرین مهم‌ترین کشور حامی انقلابیون بود. این امر باعث شد که سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی صحنه بحرین رویکرد تنش‌زایی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و پژوهشگر خاورمیانه



را در مقابل انقلابیون و به تبع آن ایران به نمایش بگذارند.

### مقدمه

۸۰ درصد جمعیت بحرین را شیعیان و مابقی جمعیت کنونی بحرین را سنی‌ها تشکیل می‌دهند که خاندان آل خلیفه و اعراب عتوبی از آن جمله‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شیعیان بحرین راهپیمایی‌هایی را در حمایت از این انقلاب تدارک دیدند. در آذرماه سال ۱۳۶۰ دولت بحرین گروه‌هایی از شیعیان بحرین را به اتهام اقدام مسلحانه علیه حاکمیت این کشور دستگیر کرد. از جمله اتهامات وارده، دیدن آموزش‌های نظامی در ایران نیز بود. ایران این اتهام را رد کرد، اما بحرین سفارت خود را در تهران تعطیل کرد و سطح روابط دو کشور به کاردار یک‌جانبه ایران تقلیل یافت. در سال ۱۹۸۱ پیمان نظامی شورای همکاری خلیج فارس عمدتاً با هدف زیر نظر داشتن تحرکات ایران به ابتکار عربستان سعودی و با شرکت دولت بحرین منعقد شد. با پایان جنگ ایران و عراق، روابط دو کشور رو به بهبود رفت. اما این روابط بار دیگر با حمایت بحرین از ادعای امارات عربی متحده در مورد جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس رو به تیرگی گذاشت که با دخالت سوریه مجدداً بهبود یافت. در سال ۱۳۷۵ نیز بروز کودتایی نافرجام در بحرین به ایران نسبت داده شد که جمهوری اسلامی ایران آن را رد کرد.

به تدریج وجود محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی علیه شیعیان موجب نارضایتی گسترده در میان آنها شد و در سال ۱۹۷۵ و با انحلال مجمع ملی بحرین که یک نهاد مشورتی بود اختلافات به اوج خود رسید و شیعیان مشارکت در روند سیاسی بحرین را طی سه دهه به حالت تعلیق درآوردند. در سال ۱۹۹۹ پس از روی کار آمدن شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه، او برخلاف رویه پدرش در ابتدا با آزادی هزاران زندانی سیاسی و اجازه به بازگشت تبعیدی‌ها اصلاحاتی صورت داد و در نتیجه روزنامه‌های مخالف، گروه‌های حقوق بشر و سازمان‌های غیر دولتی ایجاد شدند. البته فعالیت احزاب سیاسی در این کشور همچنان ممنوع شد، اما انجمن‌های سیاسی به عنوان جایگزین آنها اجازه فعالیت پیدا کردند. همچنین شیخ حمد به منظور بهبود فضای سیاسی تعهد کرد قانون اساسی جدیدی را در بحرین تدوین کند و در سال ۲۰۰۲ مجوز فعالیت مجدد پارلمان را صادر کرد. به تدریج مشخص شد که این اصلاحات ظاهری و به منظور کنترل اوضاع بحرین پس از مرگ پادشاه صورت گرفته است. در نتیجه گروه‌های شیعه به تحریم انتخابات و عدم مشارکت سیاسی پرداختند. اما جمعیت وفاق ملی بحرین همچنان در فضای سیاسی باقی ماند. به رغم وجود اختلاف نظر در میان شیعیان در

مورد این اقدام و تمایل اکثریت آنها به پیوستن جمعیت وفاق به تحریم، اما این حزب توانست آرای چشمگیری را در پارلمان به خود اختصاص دهد. به هر حال، در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ انتخابات پارلمانی بحرین انجام شد و گروه‌هایی از اسلام‌گرایان شیعه و سنی به آن راه یافتند. اما

به رغم آنکه اکثریت جمعیت بحرین شیعه هستند، اداره حکومت در دست خاندان اهل سنت آل خلیفه است که به انواع سیاست‌های ضد شیعی پرداخته است. همچنین حکومت بحرین تلاش می‌کند نسبت جمعیتی بحرین را به سوی سنیان و وهابیان سوق داده و شیعیان را در اقلیت قرار دهد. به طوری که علاوه بر برخورد‌های شدید با علما و شیعیان، اقدام به دادن روایید بحرینی شدن به گروه‌های وسیعی از سنیان و وهابیان سایر کشورها کرده است

عملاً پارلمان در برابر دولت سنی این کشور قدرتی جهت انجام اصلاحات ندارد.

در ژانویه ۲۰۰۹، سیاست‌های ضد شیعی حکومت و سرکوب شیعیان، باعث تظاهرات ۱۲۰ هزار نفری شیعیان بحرین شد. به رغم آنکه اکثریت جمعیت بحرین شیعه هستند، اداره حکومت در دست خاندان اهل سنت آل خلیفه است که به انواع سیاست‌های ضد شیعی پرداخته است. به غیر از تظاهرات قانونی سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، سایر راهپیمایی‌های مردم بحرین، همواره به صحنه تقابل نیروهای مسلح این کشور با مردم بدل شده است. همچنین حکومت بحرین تلاش می‌کند نسبت جمعیتی بحرین را به سوی سنیان و وهابیان سوق داده و شیعیان را در اقلیت قرار دهد. به طوری که علاوه بر برخورد‌های شدید با علما و شیعیان، اقدام به دادن روایید بحرینی شدن به گروه‌های وسیعی از سنیان و وهابیان سایر کشورها کرده است.

در پی اعتراضات سال ۲۰۱۱ در بحرین حکومت پادشاهی این کشور، ایران را به دخالت در امور داخلی این کشور و حمایت از معترضان متهم کرد. ایران نیز سرکوب معترضان بحرینی توسط نیروهای امنیتی این کشور و ارتش عربستان را محکوم کرد و چنین اتهامی را مردود و بهانه سرکوب شدید معترضان بحرینی توصیف کرد. ۱۴ مارس ۲۰۱۱ عربستان سعودی حدود هزار نیرو برای حمایت از رژیم بحرین به منظور سرکوب معترضان شیعه اعزام کرد. مقامات سعودی و بحرینی به منظور توجیه مداخله و سرکوب مردم بحرین اظهار داشتند که نیروهای شورای همکاری خلیج فارس به منظور کمک به حفاظت از بحرین در برابر تهدید ایران و جلوگیری از نفوذ این کشور در سیاست‌های داخلی بحرین مداخله کرده‌اند.

این مقاله ضمن تبیین پیشینه تاریخی بحرین و جایگاه شیعیان در این کشور، تلاش



دارد به بررسی بازیگران داخلی و خارجی صحنه تحولات بحرین پس از خیزش شیعیان این کشور بپردازد.

### پیشینه تاریخی بحرین

بحرین از جمله مناطقی بود که ساکنان آن در ابتدای ظهور اسلام مسلمان شدند. از نخستین والیان رسول الله (ص)، ابان بن سعید، در دوستی با علی بن ابی طالب (ع) شهره بود. این عامل نقش مؤثری در گسترش تشیع در میان مردم بحرین داشته است.<sup>۱</sup> از آن زمان تاکنون، شیعیان و علمای شیعه بحرین همواره با مراکز تشیع در ایران و عراق مرتبط بوده‌اند و معمولاً در مسائل فقهی و مذهبی با حوزه‌های علمیه ارتباط تنگاتنگ داشته‌اند. به همین دلیل، تفاوت عقیدتی چندانی میان شیعیان بحرین با شیعیان سایر کشورها دیده نمی‌شود.

بحرین تا سال ۱۷۸۳ میلادی تحت حکومت خاندان‌های مختلف شیعه، سنی، ایرانی و عرب بوده و به طور مداوم دست به دست می‌شده است. در سال ۱۷۸۳ خاندان آل خلیفه بنی عتبه از سواحل غربی قطر وارد بحرین شدند. اتحاد درون قبیله‌ای و انسجام آنها و نیز کمک قبایل «الصباح» سنی مذهب، باعث شد که آنها بر سایر قبایل و مدعیان غلبه کنند و بر کل بحرین حاکم شوند.<sup>۲</sup>

با گذشت اندک زمانی از حاکمیت این خاندان، توسعه‌طلبی‌های سلطان بن احمد، امیر بحرین، خشم حاکمان محلی عمان را برانگیخت. از این رو، به بحرین حمله کرد و آن را تصرف کرد. خاندان آل خلیفه به عربستان گریختند و به حاکمان محلی شبه جزیره پناهنده شدند و پس از سازماندهی مجدد و با حمایت مستقیم عبدالعزیز محمد بن سعود، آل خلیفه بار دیگر بر بحرین مسلط شد.<sup>۳</sup> این امر باعث وام‌دار شدن آنها به وهابیت شد؛ به گونه‌ای که در حال حاضر نیز وهابیون به راحتی در بحرین و خاندان حکومتی نفوذ دارند و هر از گاهی تبلیغات ضد شیعی شدید به راه می‌اندازند.

آل خلیفه پس از تصرف مجدد بحرین، به علت ترس از دولت‌های هم‌جوار وارد مذاکره با انگلیسی‌ها شد<sup>۴</sup> و در اوایل قرن بیستم در عمل بحرین را به کشور تحت‌الحمایه بریتانیا

۱. رضا اسلامی، «خاستگاه تشیع در بحرین»، هفت/آسمان، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸.

۲. <http://en.wikipedia.org/wiki/history-of-bahrain>

۳. محمد فاتحی، «روپارویی دولت بحرین با گروه‌های سیاسی با تأکید بر گروه‌های شیعی»، مطالعات منطقه‌ای جهان/اسلام، ش ۲۳، پاییز ۱۳۸۴، ص ۹۴.

۴. همان.

تبدیل کرد. تا زمان انفکاک بحرین از ایران در سال ۱۹۷۱، دولت انگلستان بدون توجه به خواست اکثریت شیعه این کشور و بدون اندک تأملی درباره سرکوب و نقض حقوق بشر، حتی در اواخر حضور خود در بحرین، از دولت

حاکم و خانواده کوچک آل خلیفه حمایت می کرد و در بسیاری از مواقع، خود به سرکوب شدید مخالفان داخلی و شورش‌ها می پرداخت. به همین دلیل، شیعیان در تمام آن دوران عملاً تحت فشار شدید بودند.

دولت انگلستان مطابق توافق‌های خود با حاکم بحرین، در سال ۱۹۷۱ از منطقه خارج شد و ۲۳ مرداد ۱۳۵۰ بحرین از ایران جدا شد. از آن زمان تاکنون، خاندان آل خلیفه بر تمام ارکان حکومتی بحرین حاکم هستند و تقریباً هیچ مقامی خارج از این خاندان وجود ندارد. مردم بحرین نیز در هر فرصتی مخالفت خود را نسبت به این شرایط ابراز داشته‌اند. نمونه‌هایی از این مخالفت‌ها، در سال ۱۹۸۱ سرکوب شد. مخالفان بار دیگر از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ به شدت مخالفت خود را نشان دادند. دولت بحرین در فاصله کوتاهی پس از استقلال، قانون اساسی و پارلمان این کشور را منحل کرد و بدین ترتیب نمادهای ظاهری مشروعیت قانونی را از بین برد و به وضوح سنت مبنای مشروعیت قرار گرفت.<sup>۱</sup> با انحلال پارلمان و الغای قانون اساسی، بازگشایی پارلمان و رسمیت یافتن قانون اساسی موضوع محوری در خواست‌های مخالفان تا ۲۷ سال بعد یعنی سال ۲۰۰۲ بود.

مشروعیت دولت بحرین از آغاز استقلال تاکنون مبتنی بر سنت بوده است نه قانون؛ به همین دلیل، این دولت قانون اساسی را لغو کرد. از آن زمان تا پایان امارت شیخ عیسی بن سلمان در مارس ۱۹۹۹، ابتدای مشروعیت بر سنت به وضوح مشهود بود و حاکمان بحرین بدون اذعان به این امر، هیچ تلاشی برای توجیه قانونی این موضوع نمی کردند. این موضوع و سرکوب شدید، موضع مخالفان را به یکدیگر نزدیک کرده بود و هنگامی که درخواست برپایی مجدد پارلمان و به جریان انداختن قانون اساسی با بی‌اعتنایی امیر وقت بحرین مواجه شد، مخالفت‌ها شدیدتر و آشکارتر شد. رد این درخواست در سال ۱۹۹۶ که به امضای ۲۵ هزار نفر از مجموع ۶۵۰ هزار نفر کل جمعیت

۱. معصومه سیف افجه‌ای، بحرین، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳.





جمعیت وفاق وطن اسلامی: گروهی شیعی است که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد و از جمله بزرگ‌ترین گروه‌های معارض بحرینی است. از بعد تاریخی باید آن را میراث جنبش احرار بحرین دانست که محرک اصلی اعتراضات سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ بود. مؤسس و رهبر کنونی این جمعیت شیخ علی سلمان نام دارد و دیدگاه حاکم بر جمعیت این است که برای ساخت کشوری پیشرفته باید به حاکمیت مردم در تمام نهادهای حکومتی روی آورد و بنابراین، شعار «آزادی و عدالت و برابری را بر اساس اصول و مبادی اسلامی» سر می‌دهد

بحرین (که یک سوم آن نیز خارجی هستند) رسیده بود، باعث بروز ناآرامی‌ها و نارضایتی‌های گسترده‌ای شد که تا پایان عمر امیر عیسی بن سلمان ادامه یافت. در واقع، او کشوری آشوب‌زده را برای جانشین سنتی خود یعنی فرزندش به جا گذاشت. ناراضیان از تمام طیف‌های شیعه، سنی و سکولار دو موضوع قانون اساسی و بازگشایی پارلمان را مطرح کردند. البته شیعیان علاوه بر این دو موضوع خواهان حل مشکل بیکاری نیز بودند که در میان آنان رایج‌تر بود. شیخ حمد به مخالفان خود وعده اصلاحات داد تا حداقل در فاصله به دستگیری کامل

قدرت از مخالفت‌های مردمی و عمومی در امان باشد. در نوامبر ۲۰۰۰، امیر جدید بحرین به طور ناگهانی نظام اداری و قانونی جدید را اعلام و هیئتی را مأمور تدوین قانون اساسی جدید کرد و همچنین از تغییر حکومت بحرین از امارت به پادشاهی خبر داد.<sup>۱</sup> اعتراض گروه‌های مخالفت تغییر نظام حکومتی مؤثر نبود و قانون اساسی ملی تقدیم امیر شد. خبر به همه‌پرسی گذاشتن قانون اساسی با خبر آزادی برخی از رهبران مخالف که در سال ۱۹۹۶ دستگیر شده بودند، همراه شد. این روند باعث ایجاد اختلاف بین گروه‌های مخالف شد؛ برخی حمایت خود را از این جریان‌ها اعلام کردند، برخی با تردید سکوت کردند و برخی گروه‌ها به مخالفت اندک پرداختند. در نهایت، همه‌پرسی برگزار شد و بیش از ۹۸ درصد بحرینی‌ها به قانون اساسی مصوب مجلس منتخب رأی مثبت دادند<sup>۲</sup> و نوع حکومت بحرین مشروطه سلطنتی شد که پس از گذشت مدت کوتاهی، مردم بحرین به این نتیجه رسیدند که دولت پشتکار لازم را برای اجرای اصلاحات ندارد. با وجود این، در اکتبر ۲۰۰۳ انتخابات پارلمانی در بحرین برگزار شد. در این انتخابات، زنان حق انتخاب شدن را نیز پیدا کردند، اما در نهایت هیچ زنی به مجلس راه نیافت و

1. <http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/26414.htm> (Background Note: Bahrain)

2. <http://www.ensani.ir/storage/Files/20110207142631-585.pdf>

(انتفاضه بحرین و روند اصلاح سیاسی در بحرین)

مجلس چهل نفری بحرین در دو اتاق، به نسبت توازن بین مسلمانان و لائیک‌ها تشکیل شد. دولت نیز برای نشان دادن اهمیت حضور زنان، پس از اینکه هیچ زنی به مجلس راه نیافت، دو زن را به عضویت کابینه درآورد که با تبلیغات فراوان همراه شد.

## بازیگران داخلی

جریان‌های مهم سیاسی بحرین را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: نخست، جمعیت‌های اسلام‌گرای اهل تسنن؛ این جمعیت‌ها از مهم‌ترین جریان‌های حامی دولت آل خلیفه به شمار می‌روند. این جریان‌ها عموماً از انشقاق‌های به وجود آمده در سازمان اخوان المسلمین و با تأثیرپذیری از برخی کشورهای عربی شکل گرفته‌اند. این جریان‌ها که در ابتدا بسستر فعالیت گروه‌های سلفی بودند، بعد از سال ۲۰۰۱ به تدریج وارد عرصه فعالیت سیاسی شدند. مهم‌ترین این جمعیت‌ها عبارت‌اند از: جمعیت منبر (تربیون) اسلامی که در واقع نماینده جریان اخوان المسلمین به شمار می‌رود و جمعیت اصالت اسلامی که یک جمعیت سلفی افراطی است.

**دوم، جریان چپ‌گراها:** چپ‌گراها اگرچه قدرت دهه پنجاه قرن بیستم را ندارند، اما به هر شکل بازیگران مهمی در صحنه سیاسی بحرین به شمار می‌روند. از میان این تشکل‌ها می‌توان به جمعیت عمل دموکراسی (وعد) اشاره کرد.

**سوم، جریان لیبرال‌ها:** سومین دسته فعال در بحرین جریان لیبرال است که با توجه به حضور قشر اقتصادی، خواهان اصلاحات سیاسی در چهارچوب اندیشه بازار اقتصادی و برنامه‌های الحاقی آن شامل آزادی‌های فردی و تکثرگرایی سیاسی است. با وجود این، کارشناسان بحرینی اندیشه لیبرال را همچنان در دوره تکامل جنینی خود می‌دانند. جمعیت میثاق ملی، جمعیت گروه فرهنگی، جمعیت اندیشه آزاد و تجمع ملی دموکراتیک، از مهم‌ترین جریان‌های این مشرب فکری به شمار می‌روند.

**چهارم، اسلام‌گرایان شیعه:** با توجه به اینکه اکثریت جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، شیعیان همواره در صحنه سیاسی بحرین و به ویژه در بلوک مخالفان دولت آل خلیفه حضور بالفعل داشته‌اند. جمعیت عمل اسلامی بحرین و جمعیت وفاق ملی بحرین در مقایسه با سایر گروه‌ها اصلی‌ترین نقش را در هدایت قیام مردم بحرین بر عهده داشته‌اند. گروه‌های شیعی در بحرین گروه بزرگی به شمار می‌آیند و اکثریت مردم طرفدار آنها هستند. گروه شیعیان نیز دو جمعیت دارند: «جمعیه الوفاق الوطني الاسلامیه» به عنوان جمعیت سیاسی و به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین علی سلمان





و «جمعیه التوعیه الاسلامیه» به عنوان جمعیت فرهنگی و به ریاست شیخ باقر حواج و هر دو جمعیت به مجلس علمایی - اسلامی بحرین متکی هستند که مجلسی متشکل از بیش از ۱۲۰ عالم و طلبه از طلاب بحرین است. رئیس سابق و مؤسس آن، آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، و کیل مطلق مقام معظم رهبری و آیت‌الله سیستانی است. اکثریت مردم او را قبول دارند و طرفدار وی هستند؛ بنابراین به علت مقبولیت شیخ عیسی قاسم، جمعیه الوفاق و التوعیه را پذیرفتند. یک گروه نیز طرفداران آیت‌الله سید محمد شیرازی هستند و دو جمعیت دارند: جمعیت سیاسی شان، «جمعیه العمل الاسلامی (عمل)» و جمعیت فرهنگی شان، «جمعیه الرساله» است. یک گروه دیگر، طرفداران شیخ سلیمان مدنی (ره) هستند که جمعیتی به نام «جمعیه الرابطة الاسلامیه» دارند، اما در واقع بزرگترین جمعیت‌های سیاسی فعال، همان جمعیه الوفاق و جمعیت عمل و دو تا جمعیه علمانی هستند. جمعیت علمانی شیعه نیستند، البته منحصرأ نمی‌توانیم بگوییم شیعه هستند یا سنی؛ چون آنها می‌گویند دین در سیاست دخالت نمی‌کند. مانند «جمعیه العمل دیمقراطی» با ریاست ابراهیم شریف که از اهل تسنن است، ولی اهل تشیع هم زیاد دارند. جمعیت دیگر نیز «جمعیه الاخاء الوطنی». معمولاً این چهار جمعیت و «جمعیه التجمع الوطنی» و «تجمع الدیمقراطی»، به عنوان معارض در برابر دولت هستند، اما از لحاظ مردمی، جمعیت الوفاق بیشترین و بزرگ‌ترین جمعیت را دارد. حزب الرساله و جمعیه اهل البیت از جمله دیگر احزاب شیعی در بحرین هستند.

### مهم‌ترین گروه‌های فعال سیاسی بحرین<sup>۱</sup>

جمعیت وفاق وطن اسلامی: گروهی شیعی است که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد و از جمله بزرگ‌ترین گروه‌های معارض بحرینی است. از بعد تاریخی باید آن را میراث جنبش احرار بحرین دانست که محرک اصلی اعتراضات سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ بود. مؤسس و رهبر کنونی این جمعیت شیخ علی سلمان نام دارد و دیدگاه حاکم بر جمعیت این است که برای ساخت کشوری پیشرفته باید به حاکمیت مردم در تمام نهادهای حکومتی روی آورد و بنابراین، شعار «آزادی و عدالت و برابری را بر اساس اصول و مبادی اسلامی» سرمی‌دهد. این جمعیت در پارلمان دارای ۱۸ نماینده است که در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه رژیم حاکم علیه معترضین بحرینی رسماً از پارلمان استعفا کردند. مبنای مطالبات سیاسی این گروه تشکیل حکومت دموکراتیک اسلامی است. لازم به ذکر

1. <http://rajanews.com/detail.asp?id=125854>



حزب الدعوة در سال ۱۹۶۵ و تحت تأثیر حزب الدعوة عراق به وجود آمد و خواستار حل مسئله فلسطین شد. این حزب، ریشه در جمعیت بیدارگر اسلامی دارد. در سال ۱۹۸۳ اعضای این گروه، تحت تعقیب قرار گرفتند و در اوایل سال ۱۹۸۴، ۵۰ نفر به اتهام عضویت در این تشکل دستگیر و طی محاکمه‌ای در ۲۴ دسامبر به یک تا هفت سال حبس محکوم شدند

است این گروه شیعی قدرتمندترین گروه سیاسی بحرین است که از ترکیب سه حزب «الدعوه»، «الاحرار» و «حزب‌الله بحرین» تشکیل شده است.

**حزب الدعوه:** این تشکل در سال ۱۹۶۵ و تحت تأثیر حزب الدعوة عراق به وجود آمد و خواستار حل مسئله فلسطین شد. این حزب، ریشه در جمعیت بیدارگر اسلامی دارد. در سال ۱۹۸۳ اعضای این گروه، تحت تعقیب قرار گرفتند و در اوایل سال ۱۹۸۴،

۵۰ نفر به اتهام عضویت در این تشکل دستگیر و طی محاکمه‌ای در ۲۴ دسامبر به یک تا هفت سال حبس محکوم شدند.

**جنبش احرار:** این جنبش در سال ۱۹۵۶ تشکیل شد و در دهه ۶۰ قیام کارگری علیه رژیم بحرین و «جنبش معروف» را پدید آورد و از سال ۱۹۸۱ به اقدامات نظامی ضد دولتی متوسل شد. اعضای این جنبش را مسلمانان شیعی و سنی تشکیل می‌دهند و بر اساس ایدئولوژی اسلامی و شعار «نه غربی، نه شرقی» و با تکیه بر راهبرد بسیج افکار عمومی و پرهیز از هرگونه سازش، خواهان برقراری حکومت اسلامی در بحرین هستند. در حال حاضر، حسن الشهابی یکی از رهبران برجسته این جنبش به شمار می‌آید. جنبش احرار در اعتراضات اخیر بحرین حضور فعالی داشته و در کنار جریان‌های معارض دیگری چون الوفاق و حق خواستار انحلال دولت و پارلمان و سرنگونی رژیم آل خلیفه است.

**حزب‌الله بحرین:** از سال ۱۹۸۷ به بعد، دولت بحرین بارها اعلام کرده است که گروهی به نام حزب‌الله بحرین خواهان سرنگونی حکومت آن کشور شده است. دولت بحرین مدعی است این گروه سه هزار عضو دارد که همگی نظامی‌اند و از حزب‌الله لبنان تغذیه می‌شوند و مورد حمایت ایران هستند. گروه‌های مختلف شیعی در بحرین، طی اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی، وجود چنین گروهی را رد کرده و اعلام داشته‌اند این اقدام دولت، حربه‌ای برای ساختن دشمن فرضی است تا ناآرامی‌ها را به خارج منتسب کند. جنبش حق: این جنبش در کنار الوفاق یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جنبش‌های معارض بحرینی را تشکیل می‌دهد. جنبش حق، جنبش آزادی‌ها و دموکراسی

جنبش احرار در سال ۱۹۵۶ تشکیل شد و در دهه ۶۰ قیام کارگری علیه رژیم بحرین و «جنبش معروف» را پدید آورد و از سال ۱۹۸۱ به اقدامات نظامی ضد دولتی متوسل شد. اعضای این جنبش را مسلمانان شیعی و سنی تشکیل می دهند و بر اساس ایدئولوژی اسلامی و شعار «نه غربی، نه شرقی» و با تکیه بر راهبرد بسیج افکار عمومی و پرهیز از هرگونه سازش، خواهان برقراری حکومت اسلامی در بحرین هستند

بحرینی با گرایش های اصلاح طلبانه است. در ابتدا حسن المشیمع از رهبران برجسته معارض بحرینی دبیر کل جنبش و عیسی الجودر معاون وی تلقی می شد که بعدها مشیمع به رهبری جنبش برگزیده شد. جنبش حق در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی تأسیس شد و باید آن را انشقاق حاصله از جمعیت الوفاق الاسلامی برشمرد. در مورد حسن مشیمع، رهبر جنبش حق باید گفت که همزمان با اعتراضات اخیر مردم بحرین

علیه رژیم آل خلیفه وی و جنبش او نیز پیوستن خود به اعتراضات مردمی و قیام علیه رژیم بحرین را اعلام کرده و مانند جمعیت الوفاق الاسلامی خواسته هایش در انحلال دولت و پارلمان و رژیم آل خلیفه نمود پیدا کرد. مشیمع ۶۳ ساله در سال ۲۰۱۰ به اتفاق ۲۵ شخصیت دیگر معارض بحرینی متهم به اقدام و تلاش جهت براندازی رژیم حاکم شد و تا پیش از آن ۴ بار بازداشت شده بود. وی را باید از جمله شخصیت های منطقه ای حامی جمهوری اسلامی ایران دانست.

جمعیت عمل اسلامی: این جریان در اواخر دهه هفتاد تأسیس شد و در آن زمان به جریان «شیرازی ها» معروف شد که منتسب به آیت الله محمد شیرازی مرجع تشیع بود و ادامه جبهه اسلامی آزادی بحرین به شمار می آید. دومین گروه سیاسی بزرگ شیعه بحرین و معارضین، جمعیت العمل الاسلامی است که رهبری آن را شیخ محمدعلی محفوظ برعهده دارد. با اینکه این گروه با الوفاق و گروه های دیگر معارض در دعوت به اصلاحات سیاسی و تمرکز بر ضرورت اصلاح قانون اساسی ۲۰۰۲ همراهی کرد، پایگاه عمومی محدودتری دارد و دستور کار آن پیچیده تر است. اصول مذهبی جمعیت العمل الاسلامی بر ارتباطات نزدیک با مرجعیت آیت الله شیرازی مبتنی است که هم اکنون آیت الله صادق شیرازی در قم و آیت الله محمد تقی مدرسی در کربلا آن را هدایت می کنند. در سال ۱۹۸۰ این سازمان تلاش کرد حکومت آل خلیفه در بحرین را سرنگون کند اما پس از کشف طرح آنان، آقای مدرسی فراری شد و بقیه اعضا نیز دستگیر شدند. در دهه ۹۰، سازمان بارهبری محمدعلی محفوظ حیات سیاسی خود را از سر گرفت و



تغییرات سیاسی بسیاری در مواضع خود اعمال کرد. این گروه انتخابات سال ۲۰۰۲ را به همراه دیگر گروه‌های مخالف تحریم کرد، اما به شکل غیر رسمی در انتخابات سال ۲۰۰۶ حضور پیدا کرد. این حزب در سال ۲۰۰۶ در انتخابات پارلمانی شرکت کرد ولی موفق به کسب کرسی نشد. جمعیت عمل اسلامی در سال ۲۰۰۵ به دلیل برگزاری برنامه بزرگداشت اعضای جبهه اسلامی آزادی‌بخش بحرین که متهم به انجام کودتای نظامی سال ۱۹۸۱ علیه دولت آل خلیفه بودند، به دستور دولت منحل شد. این جمعیت در انقلاب ۱۴ فوریه در کنار مردم قرار گرفته است.

**جبهه اسلامی آزادی‌بحرین:** این تشکل، ریشه در مبارزات اسلامی دهه ۱۹۷۰ و به ویژه نهاد مذهبی «صندوق الحسین» دارد. در سال ۱۹۸۱ نزدیک به ۷۰ هزار نفر از اعضای این جبهه پس از کسب آموزش‌های نظامی و تخریبی با قصد سرنگونی دولت وارد عمل شدند، اما در این اقدام ناکام ماندند و همگی به حبس محکوم شدند. تا پیش از سال ۱۹۹۰ این تشکل پیشتاز حرکت اسلامی و نماینده بنیادگرایی اسلامی در بحرین بود؛ اما از سال ۱۹۹۰ به بعد، به تدریج خود را با دیگر مخالفان و جریان اصلی سیاست در این کشور وفق داد.

**حرکه الخلايا الثوريه (حرکت هسته‌های انقلابی):** این جنبش از جمله حرکت سری و زیرزمینی شیعی بحرین است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحت تأثیر آن در بحرین تشکیل شد.

**حرکه الانصار الشهداء اسلامیه (حرکت اسلامی انصار الشهداء):** این حرکت مخفی و سری در اوایل دهه ۱۹۱۰ و تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد. رهبری این تشکل بر عهده شیخ جمال علی العصفور بود. این گروه رانیز دولت کشف کرد. شیخ عصفور در سال ۱۹۸۰ دستگیر شد و تا سال ۱۹۸۱ در بازداشت به سر می‌برد که در همان سال بر اثر مسمومیت درگذشت.

**جمعیت الوعد (العمل الوطني والدیمقراطي):** اولین جمعیت سیاسی بحرین که در سال ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد و ادامه تاریخی جبهه مردمی بحرین (چپ‌گرایان) به شمار می‌آید و همچنان نیز ائتلافی از چپ‌گرایان و ملی‌گرایان و نیروهای مستقل بحرینی تلقی می‌شود. این جمعیت انتخابات سال ۲۰۰۲ را تحریم کرد، اما در انتخابات سال ۲۰۰۶ شرکت کرد و در انتخابات اخیر بحرین یعنی ۲۰۱۰ با سه نامزد مشارکت داشت. هم‌اکنون وعده خود را یکی از قطب‌های رهبری انتفاضه ۱۴ مارس می‌داند؛ این جمعیت در بیانیه‌ای که به مناسبت سالگرد تأسیس خود در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۱ منتشر کرد تأکید

نمود که پادشاه بحرین و سازمان‌های امنیتی‌اش باید بپذیرند آنچه هم اکنون در صحنه بحرین شاهد آن هستیم، تلاش‌هایی کاملاً قانونمند برای تغییر مسالمت‌آمیز وضعیت سیاسی است. از این رو هرگز نمی‌توانند برای این بحران راه حل نظامی یا امنیتی بیابند. هرم تشکیلاتی این جمعیت از مجمع عمومی، کمیته مرکزی، کمیته نظارت مرکزی، دفتر سیاسی و دفاتر و کمیته‌های عمومی شکل گرفته است. عبدالحمید مراد، رئیس هیئت مرکزی جمعیت «وعد» می‌باشد.

**جمعیت تجمع ملی و دموکراتیک (جمعیه التجمع القومي الديموقراطي):** نماینده جریان بعضی‌ها در بحرین به شمار می‌آید و فعالیت خود را از سال ۱۹۷۲ در بحرین آغاز کرده است. این جریان انتخابات سال ۲۰۰۲ را تحریم اما در انتخابات ۲۰۰۶ شرکت کرد و در انتخابات سال ۲۰۱۰ با نامزد شرکت نمود. این جمعیت جزو بنیانگذاران کنفرانس تعدیل قانون اساسی بود؛ همچنین یکی از اعضای ائتلاف چهارگانه و شش‌گانه نیز می‌باشد. اعضای ثبت‌شده رسمی آن ۱۳۴ عضو است و در سال ۲۰۰۶ با یک فهرست سه نفره در انتخابات شرکت کرد که هیچ‌یک از نامزدهایش موفق به راهیابی به مجلس نشدند. فاضل عباس هم اکنون دبیر کل این مجمع است. این مجمع در کنار انقلاب مردمی بحرین قرار گرفته و از ادامه تظاهرات مسالمت‌آمیز تا رسیدن به خواسته‌ها حمایت می‌کند.

**جمعیت تریبون دموکراسی پیشرو (جمعیه المنبر الديموقراطي التقدمی):** نماینده جریان چپ‌گرا در بحرین و ادامه جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین است که اولین حزب کمونیست تشکیل‌شده در منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۵۵ به شمار می‌آید. این جمعیت در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد و حدود دو ماه بعد از آن از سوی دولت به رسمیت شناخته شد. تعداد اعضای آن حدود ۵۰۷ نفر است. دفاع از منافع مشروع طبقات پایین جامعه و کارگر، افزایش تسامح و تقویت روحیه عدالت‌محوری در میان جامعه، تلاش برای سوق دادن کشور به سوی سلطنت مشروطه و حمایت از حقوق مشروع زنان جزء مهم‌ترین برنامه‌ها و اهداف این جمعیت می‌باشد. در بعد تاریخی، این جمعیت امتداد جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین محسوب می‌شود که در سال ۱۹۵۴ در قالب اندیشه‌های مارکسیستی - لنینی تأسیس شده بود. این جمعیت در انتخابات ۲۰۰۲ شرکت کرد و سه کرسی را در پارلمان به دست آورد اما در انتخابات ۲۰۰۶ نتوانست موفق شود. این جمعیت در انتخابات سال ۲۰۰۶ با فهرستی متشکل از ۹ نامزد شرکت کرد که موفق شدند در مجموع ۶ هزار و ۶۲۱ رأی برای فهرست خود کسب

کنند. این جمعیت گرچه به شکلی کم‌رنگ اما به هر شکل جزء گروه‌های مخالف دولت آل خلیفه محسوب شده و در فعالیت‌های انتفاضه ۱۴ نوامبر مشارکت دارد.

**جمعیت عربی اسلامی الوسط (جمعیه الوسط العربی الاسلامی):** جریان ناصری (منتسب به جمال عبدالناصر) و همچنین اسلام‌گرایان بحرینی را در بر می‌گیرد. در انتخابات سال ۲۰۰۲ شرکت کرد، اما هیچ یک از نامزدهایش به پارلمان راه نیافتند.

در مجموع از میان فعالان عرصه سیاست در بحرین می‌توان هم اکنون وعد را اولین جمعیت سیاسی بحرین دانست که رسماً در مراکز دولتی بحرین به ثبت رسیده است. این جمعیت که در ۲۷ آوریل ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد، موفق شد در ۱۰ سپتامبر همان سال در وزارت کار و امور اجتماعی بحرین به ثبت برسد. برای ثبت تأسیس خود در وزارت دادگستری مجبور شد حدود ۵ سال انتظار بکشد و در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۶، آن هم بعد از تحولات به وجود آمده در اوضاع کشور به این مهم نایل شود.

**جمعیت تریبون ملی اسلامی (جمعیه المنبر الوطنی الاسلامی):** نماینده و بازوی سیاسی جمعیت «الاصلاح» است که در دهه چهل در بحرین تشکیل شد. در انتخابات ۲۰۰۲ شرکت کرد و موفق شد هشت کرسی پارلمان را به دست آورد. در انتخابات ۲۰۰۶ با جمعیت الاصله (جریان سلفی‌ها) ائتلاف نمود و هفت کرسی را به دست آورد و در انتخابات ۲۰۱۰ با هشت نامزد شرکت کرد.

**جمعیت اصالت (جمعیه الأصاله):** نماینده و بازوی سیاسی جمعیت تربیت اسلامی است که در انتخابات ۲۰۰۲ شرکت کرد و موفق شد ۶ کرسی را در پارلمان به دست آورد. در انتخابات ۲۰۰۶ نیز با ائتلاف با منبر الوطن الاسلامی ۶ کرسی در پارلمان به دست آورد. جنبش عدالت ملی (حرکه العداله الوطنی): در پی بروز شکاف در جمعیت تجمع ملی دموکراتیک این جمعیت تشکیل شد و جمعیت کوچکی است که فعالان چپ‌گرا و مستقل را در بر می‌گیرد و به شکلی ویژه در شهر «المحرق» فعالیت می‌کند و در

از سال ۱۹۸۷ به بعد، دولت بحرین بارها اعلام کرده است که گروهی به نام حزب‌الله بحرین خواهان سرنگونی حکومت آن کشور شده است. دولت بحرین مدعی است این گروه سه هزار عضو دارد که همگی نظامی‌اند و از حزب‌الله لبنان تغذیه می‌شوند و مورد حمایت ایران هستند. گروه‌های مختلف شیعی در بحرین، طی اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی، وجود چنین گروهی را رد کرده و اعلام داشته‌اند این اقدام دولت، حربه‌ای برای ساختن دشمن فرضی است تا ناآرامی‌ها را به خارج منتسب کند



انتخابات ۲۰۰۶ نیز شرکت نمود.

## خیزش‌های مردمی در بحرین

وقوع جنبش‌های اسلامی نقطه عطفی در تاریخ خاورمیانه به شمار می‌رود. جنبش‌های اسلامی تحولی راهبردی در مناسبات سیاسی و امنیتی منطقه به وجود آورده است؛ تا جایی که درک آن برای کشورهای منطقه از زاویه امنیت ملی و منطقه‌ای بسیار ضروری است. اساساً تغییرات ژئوپلتیک ناشی از این جنبش‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا در شرایطی در حال رخ دادن است که مسائل ارزشی-ایدئولوژیک با مسائل جغرافیای سیاسی و توازن قدرت و نقش‌های منطقه‌ای به یکدیگر پیوند خورده‌اند. باید توجه داشت که جنبش‌های اسلامی در یک منطقه پویا یعنی خاورمیانه رخ می‌دهند که هر تحولی در آن سراسر منطقه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنبش‌های بیداری اسلامی از سه جهت بر ژئوپلتیک قدرت و سیاست در منطقه تأثیر گذاشته‌اند: ایجاد تضاد ایدئولوژیک، تقویت دیدگاه‌های منطقه‌ای در برابر دیدگاه‌های بین‌المللی و تضاد نقش بازیگران.

نخست، تضاد ایدئولوژیک؛ این جنبش‌ها یک نوع تضاد و رقابت ایدئولوژیک در سطح منطقه و نظام بین‌الملل ایجاد کرده‌اند. به طوری که گرایش به ارزش‌ها و هویت‌گرایی اسلامی افزایش یافته و الگوی سیاسی و اجتماعی غرب به چالش کشیده شده است. دوم، تقویت دیدگاه‌های منطقه‌ای در برابر دیدگاه‌های بین‌المللی؛ در فضای تقویت مردم‌سالاری و تأثیر هم‌افزایی خیزش‌ها و قدرت‌یابی بازیگران اسلام‌گرای نوظهور طبیعی است وزن دیدگاه‌های منطقه‌ای در برابر دیدگاه‌های بین‌المللی افزایش یابد. سوم، تضاد نقش بازیگران؛ به طور طبیعی محصول خیزش‌های مردمی ظهور اتحادها و در عین حال تضادهای جدید خواهد بود که در واقع چینش و ساخت قدیمی قدرت در منطقه تغییر می‌کند و هم‌زمان تفاوت‌ها و تعارض‌های بازیگران نقش‌آفرین داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌یابد.

فضای انقلابی و اعتراضی بحرین نیز متفاوت از فضای منطقه نبوده و تحولات این کشور در تمام سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اثر گذشته و در عین حال شدت رقابت‌ها، تضادها و اتحادهای بازیگران صحنه بحرین را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با آغاز اعتراضات مردمی در تونس، مصر، لیبی و یمن، سرایت این تحولات و اعتراضات به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دلیل ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی



این کشورها، کمتر مورد انتظار بود. اما با اعتراضات گسترده مردمی در بحرین با محوریت شیعیان، منطقه خلیج فارس نیز به عرصه جدیدی برای تحولات و اعتراضات انقلابی تبدیل شد. وقوع اعتراضات و تداوم آن در سطحی گسترده در بحرین، نشان دهنده وضعیت خاص و متفاوت آن در میان کشورهای عضو

جنبش حق در کنار الوفاق یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جنبش‌های معارض بحرینی را تشکیل می‌دهد. جنبش حق، جنبش آزادی‌ها و دموکراسی بحرینی با گرایش‌های اصلاح طلبانه است. جنبش حق در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی تأسیس شد و باید آن را انشقاق حاصله از جمعیت الوفاق الاسلامی برشمرد

شورای همکاری خلیج فارس است. اکثریت شیعی جمعیت بحرین و حاکمیت سنی آن، وسعت و جمعیت اندک این کشور که باعث آسیب‌پذیری بالای آن می‌شود و نیز رابطه ویژه و راهبردی رژیم سیاسی حاکم بر بحرین با عربستان سعودی و امریکا، از جمله ویژگی‌های بحرین است.

۱۴ فوریه ۲۰۱۱ گروه‌هایی از جوانان بحرینی به طور غیر سازمان یافته در اطراف میدان لولو، میدان مرکزی منامه، راهپیمایی کردند. همگام با جنبش‌های مردمی در جهان عرب، این جوانان از طریق فراخوان‌هایی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، خواهان اصلاحات در رژیم حکومتی این کشور شدند و برخی از آنها پا را فراتر گذاشته و خواستار سرنگونی رژیم شدند. روز انتخاب‌شده (تنها سه روز پس از سرنگونی رئیس‌جمهور مصر، یعنی حسنی مبارک)، با دهمین سالگرد اعلام پروژه اصلاحات، منشور اقدام ملی، توسط شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه مصادف بود. تصمیم به برگزاری تظاهرات اعتراض آمیز در آن روز توهینی به پادشاه و تمامی خاندان سلطنتی تلقی می‌شد.

طی ماه‌های بعد همزمان با افزایش خواسته‌های معترضین، اختلاف میان گروه‌های سیاسی اپوزیسیون از یک سو و ائتلاف آزاد گروه‌های جوانان و انجمن‌ها و احزاب بدون مجوز از سوی دیگر آشکار شد؛ در حالی که اپوزیسیون قانونی به برگزاری نشست با رژیم برای یافتن راه‌حلی به منظور مذاکره رضایت داد و در مقابل معترضان و انجمن‌های سیاسی غیر قانونی خواسته‌های خود را از اصلاحات به سرنگونی رژیم افزایش دادند. در همین حال در دیدگاه سیاسی خاندان سلطنتی، به شکل فزاینده‌ای تفکرات تعصب آمیز و افراطی غلبه داشت که عمدتاً از سوی نخست‌وزیر آن کشور هدایت





جمعیت عمل اسلامی در اواخر دهه هفتاد تأسیس شد و در آن زمان به جریان «شیرازی‌ها» معروف شد که منتسب به آیت‌الله محمد شیرازی مرجع تشیع بود و ادامه جبهه اسلامی آزادی بحرین به شمار می‌آید. دومین گروه سیاسی بزرگ شیعه بحرین و معارضین، جمعیت العمل الاسلامی است که رهبری آن را شیخ محمدعلی محفوظ برعهده دارد. اصول مذهبی جمعیت العمل الاسلامی بر ارتباطات نزدیک با مرجعیت آیت‌الله شیرازی مبتنی است که هم‌اکنون آیت‌الله صادق شیرازی در قم و آیت‌الله محمدتقی مدرسی در کربلا آن را هدایت می‌کنند

می‌شد. نخست‌وزیر با ولیعهد سلمان بن حمد آل خلیفه<sup>۱</sup> که جناح اپوزیسیون را هدایت می‌کرد، به صورت نیمه‌محرمانه در خصوص تظاهرات تبادل نظرهایی داشت. در میانه ماه مارس ۲۰۱۲، پادشاه از نیروی نظامی شورای همکاری خلیج فارس به منظور حمایت از حاکمیت خاندان سلطنتی در برابر معترضین دعوت به مداخله کرد. رژیم همچنان ادعا می‌کرد که این اعتراضات از سوی ایران حمایت می‌شوند و ایران به دنبال منافع خود از تلاش شیعیان برای قدرت‌یابی در بحرین است. نیروی نظامی شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان پوششی برای پادشاه جهت اعلام وضعیت فوق‌العاده در پانزدهم مارس فراهم

و موجی از سرکوب را برای توقف اعتراضات مردمی آغاز کردند. رژیم بحرین در واکنش به فشارها و محکومیت‌های بین‌المللی، وضعیت فوق‌العاده را در اول ژوئن ۲۰۱۱ لغو کرد. یک ماه بعد، نهم ژوئیه سخنگوی پارلمان بحرین فراخوان برگزاری اجتماعی بزرگ را در واکنش به دعوت شاه برای «گفت‌وگویی ملی» اعلام کرد. در واقع، لغو وضعیت فوق‌العاده و آغاز گفت‌وگویی ملی از تغییر رویکرد رژیم در برابر شهروندان خود حکایت نداشت. تنها تحول مثبت تشکیل کمیسیون مستقل به ریاست شریف بصیونی، کارشناس بین‌المللی جرایم جنگی بود.<sup>۲</sup>

در صورتی که سرکوب‌ها همچنان ادامه یابد و سران اپوزیسیون در زندان بمانند و گفت‌وگوهای الوفاق با رژیم ادامه پیدا کند، پایگاه مردمی این گروه به شدت خدشه‌دار و در نتیجه رویکردهای مردمی رادیکال‌تر خواهد شد. اکثریت بودن شیعیان بحرین

۱. از زمان استقلال کشور بحرین در سال ۱۹۷۱ تاکنون این کشور تنها روی یک نخست‌وزیر به خود دیده و او خلیفه بن سلمان آل خلیفه برادر پادشاه سابق این کشور عیسی بن سلمان آل خلیفه و عموی پادشاه کنونی بحرین حمد بن عیسی آل خلیفه است.

2. [www.alarabiya.com/.../Bassiouni-to-visit-Bahrain-next-month.html](http://www.alarabiya.com/.../Bassiouni-to-visit-Bahrain-next-month.html) (Bassiouni to visit Bahrain next month)



و نارضایتی آنها را نمی توان نادیده گرفت؛ در صورت نادیده گرفته شدن، خواسته های مشروع آنها به شیوه ای شدیدتر و بی محابا تر دوباره مطرح خواهند شد. اقدام دیگری که خشم شیعیان را برانگیخته است تخریب مساجد شیعه و حسینیه ها و مکان های گردهمایی آنهاست.

## ائتلاف نوظهور سنی های بحرین

برخی از سنی های همدرد با شیعیان در مراحل ابتدایی در جنبش اعتراضی دخیل بودند، اما پس از آنکه برخی از معترضان خواستار سرنگونی پادشاهی آل خلیفه شدند، تقریباً حمایت سنی ها از معترضان شیعه پایان گرفت. پیدایش مجمع وحدت ملی به عنوان یک ائتلاف طرفدار سنی ها و متحد وفادار به خاندان سلطنتی یکی از مهم ترین پیامدهای سیاسی سرکوب هاست. تقریباً تنها نیروی سیاسی که از سوی رژیم مورد حمله قرار گرفت این مجمع بود و به عنوان بزرگ ترین فاتح این صحنه و اداره کننده عرصه سیاسی برای مدتی شناخته می شود. اگرچه برخی از رهبران آنان از خود به عنوان فعالان اپوزیسیون یاد می کنند زیرا جایگاه و پست دولتی ندارند و خواهان اصلاحات اقتصادی و اجتماعی هستند، اما در حقیقت آنها وفاداری عمیق خود را با آل خلیفه اعلام کرده اند.

به رغم اینکه در این مجمع شیعیان نیز حضور دارند، اما اکثریت مسلط آنها گروه های اسلام گرای سنی هستند. مجمع وحدت ملی شامل سه گروه اسلام گرا- اخوان المسلمین (المنبر الوطنی الاسلامی)، گرایش سلفی (الاصاله الاسلامیه) و جمعیت الشوری الاسلامیه (برخلاف دو گروه قبلی در پارلمان نماینده ندارد) و دیگر گروه های سنی است که از جانب تظاهرات شیعیان احساس خطر کرده اند. همچنین این مجمع برخی چپ گرایان سنی سکولار را در بر می گیرد که مجمع را پناهگاهی در برابر اسلام گرایان شیعه و مدافع «عربیت» بحرین می دانند. مجمع وحدت ملی که در بیستم فوریه ۲۰۱۱ تأسیس شد، در مقابله با تظاهرات در میدان، به سرعت یک گردهمایی در مقابل مسجد فتح در مرکز منامه برگزار کرد. گروه های تشکیل دهنده آن نفوذ خود را بر پارلمان پس از استعفای هجده تن از نمایندگان الوفاق در ۲۷ فوریه تقویت کردند، از زمان سرکوب ها، این مجمع هر روزه در تمام رسانه های بحرینی به جز الوسط مطرح بود.

پشتیبان اصلی و یکی از منابع مهم قدرت مجمع وحدت ملی بخش خیریه آن است که شعب بسیار و شبکه ای از حامیان را دارد. این امر بیشتر در مورد جمعیت الشوری



الاسلامیه مصداق می‌یابد که مالک شعبه خیریه جامعه اسلامی است. رئیس سابق این جامعه روحانی سنی شیخ عبداللطیف محمود است که رهبر مجمع وحدت اسلامی نیز شد. وی در توضیح اصول و ریشه‌های گروه خود می‌گوید:

ما این مجمع را گرد هم آوردیم زیرا پس از ۱۴ فوریه، شیعیان شروع به تهدید سنی‌ها کردند و با آنها همچون دشمنانشان رفتار می‌کردند... پیش از ۱۴ فوریه ما در پارلمان با حزب الوفاق مشکلی نداشتیم. ما در اصول با آنها اختلافی نداریم. حوادث پس از ۱۴ فوریه تفاوت داشت، زیرا موجودیت حکومت مورد تهدید قرار گرفت. پس از آنکه شیعیان کار خود را در عراق تمام کردند به بحرین آمدند. انجمن‌های مجوزدار و بی‌مجوز و نیز شورای اسلامی علما (یک گروه غیر رسمی از روحانیون شیعه در بحرین) درباره گفت‌وگو سخن می‌راندند... آنها به طور جدی به دنبال سرنگونی رژیم بودند. شیعیان از تقیه استفاده می‌کنند، آنها به شما نمی‌گویند که به چه می‌اندیشند.<sup>۱</sup>

به طور کلی اگرچه برخی از گروه‌های وابسته به مجمع مانند اخوان المسلمین کمتر فرقه‌گرا هستند، اما سایر گروه‌ها به صراحت علیه شیعیان و باورهای مذهبی آنها سخن می‌رانند و قدرتمندتر شدن شیعیان را با قدرت‌یابی ایران برابر می‌دانند.

## بازیگران خارجی

ملاحظات ژئوپلیتیک بین‌المللی سبب پشتیبانی کشورهای غربی و عربی از نظام پادشاهی بحرین و عدم توجه به خواست‌های معترضان شده است. به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک بحرین نیز نقش مؤثری در به تأخیر افتادن وقوع انقلاب در بحرین داشته است. ورود نیروهای عربستانی به بحرین تنها به خواست حاکم این کشور صورت نگرفت، بلکه ویژگی‌های ژئوپلیتیک بحرین، کشورهای عربی و غربی را بر آن داشت تا مطابق اهداف ژئوپلیتیک خود از ورود این نیروها طرفداری کرده یا در برابر آن سکوت کنند. از سوی دیگر، ضمن نادیده گرفتن نقض آزادی‌های مدنی و حقوق بشر، مشخص شد آرمان دموکراسی خواهی آنان تنها یک راهبرد گزینشی در راستای برآوردن منافع ژئوپلیتیک آنان است.

1. International Crisis Group, "Popular Protest in North Africa and Middle East: Bahrain's Rocky Road to Reform," Middle East/ North Africa Report, No. 111, (July 28, 2011).

به لحاظ ژئوپلتیک، بحرین اگرچه مجمع‌الجزایری کوچک است و نسبت به سایر همسایگان خود منابع کمتری دارد، اما دارای موقعیتی راهبردی است. این کشور در همسایگی عربستان قرار دارد و دارای پیوستگی سرزمینی و فرهنگی با مناطق شیعه‌نشین عربستان چون قطیف و احساء، شهرهای کلیدی منطقه الشرقیه است که بیشتر نفت و گاز عربستان را در خود جای

جبهه اسلامی آزادی بحرین ریشه در مبارزات اسلامی دهه ۱۹۷۰ و به ویژه نهاد مذهبی «صندوق‌الحسین» دارد. تا پیش از سال ۱۹۹۰ این تشکل پیش‌تاز حرکت اسلامی و نماینده بنیادگرایی اسلامی در بحرین بود؛ اما از سال ۱۹۹۰ به بعد، به تدریج خود را با دیگر مخالفان و جریان اصلی سیاست در این کشور وفق داد

داده‌اند. از سوی دیگر بحرین در همسایگی خود چهار کشور عرب دیگر را دارد که همگی دارای نظام‌هایی پادشاهی و غیر مردمی هستند که در عدم تمایل رژیم بحرین به انجام اصلاحات سیاسی در کشور خود تأثیر گذار بوده است. همچنین این کشور مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا و یکی از شرکای اصلی این کشور در منطقه است.

ژئوپلتیک داخلی و ماهیت قدرت و سیاست در بحرین نیز به گونه‌ای است که در صورت روی کار آمدن حکومتی مردم‌سالار، شیعیان تأثیرگذاری زیادی بر تحولات و سیاست‌های داخلی و به تبع آن سیاست خارجی این کشور خواهند داشت؛ امری که تحولات منطقه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و موقعیت منطقه‌ای ایران را بهبود خواهد بخشید. سایر همسایگان عرب بحرین نیز مخالف روی کار آمدن رژیم مردم‌سالار در بحرین هستند. این کشورها به خوبی واقف‌اند که هر گونه تغییر در همسایه کوچک خود، شهروندان این کشورها را برای انجام تغییراتی مشابه تحت تأثیر قرار خواهد داد و پایه‌های رژیم‌های پادشاهی و خودکامه این کشورها را متزلزل خواهد کرد. از سوی دیگر آنها خواهان ظهور حکومتی شیعی و نزدیک به ایران در بحرین نیستند.

در سطح منطقه سعودی‌ها نگران سرایت ناآرامی بحرین به مناطق شیعه‌نشین خود هستند. همسانی فرهنگی و مذهبی، پیوستگی و مجاورت سرزمینی و بی‌عدالتی منطقه‌ای و مذهبی از جمله این شرایط است که زمینه را برای ناآرامی در مناطق شرقی عربستان فراهم ساخته است. همچنین بحرین مرکز مهم تنش ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک عربستان و ایران است. قرار داشتن بحرین در هم‌جواری عربستان و شیعه بودن اکثریت جمعیت آن سبب شده عربستان توجه ویژه‌ای به بحرین داشته باشد.



حرکه الانصار الشهداء اسلامیة حرکتی مخفی و سری است که در اوایل دهه ۱۹۱۰ و تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد. رهبری این تشکل بر عهده شیخ جمال علی العصفور بود. این گروه را نیز دولت کشف کرد. شیخ عصفور در سال ۱۹۸۰ دستگیر شد و تا سال ۱۹۸۱ در بازداشت به سر می برد که در همان سال بر اثر مسمومیت درگذشت

سعودی‌ها نگران روی کار آمدن یک دولت شیعه و متحد ایران در همسایگی خود هستند. جایگاه عربستان به عنوان متحد غرب ایجاب می کند که این کشور از ایجاد هر تحولی که سبب افزایش قدرت ایران در منطقه می شود، جلوگیری کند.

در حال حاضر مسئله رهبری جهان اسلام از یک سو و اختلاف بر سر تفسیر اسلام (به ویژه تفسیر شیعه و سنی) از سوی دیگر باعث باز شدن در پیچه رقابت و تنش میان ایران و عربستان شده است. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی ایران و ورود جریان شیعه به مسائل منطقه از یک سو و تحولات عراق بعد از صدام که به قدرت یابی شیعیان عراق انجامید، نگرانی عربستان و دیگر دولت‌های عربی سنی منطقه بیشتر شد.

عربستان سعودی نگران اعتراضات و خیزش اقلیت شیعه خود (۱۰ تا ۱۵ درصد کل جمعیت عربستان) به ویژه پس از گسترش موج بیداری اسلامی در جهان عرب است. در سایه رقابت‌های ایدئولوژیک میان ایران و عربستان، نگرانی ریاض از گسترش اندیشه‌های انقلابی ایدئولوژی شیعی در داخل عربستان و کشورهای خلیج فارس به ویژه در بحرین و کویت تشدید شد و تحولات پس از انقلاب اسلامی ایران در منطقه سبب شد ریاض در جنگ تحمیلی کمک‌های بسیاری به عراق کند. حتی در چهارچوب اوپک عربستان بر پایه رقابت و تنش شیعه و سنی، بارها به گونه‌ای رفتار کرده که ایران زیر فشار قرار گیرد.

جمهوری اسلامی ایران در سراسر خاورمیانه از لحاظ راهبردی و تاکتیکی نسبت به عربستان برتری دارد که دلیل آن جذابیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران برای هویت‌های اسلامی منطقه است که عربستان به دلیل تأکید بر اندیشه افراطی وهابیت از آن بی بهره است. بر این اساس، در بسیاری از حوزه‌ها میان ایران و عربستان نوعی کشمکش نیابتی در جریان است. در عین حال، سعودی‌ها در حوزه‌هایی مانند بحرین، فلسطین و لبنان که خود را بازنده می بینند مدعی هستند ایران در امور آن کشورها دخالت می کنند. آنها به تسلط حکومت‌های سنی بر منطقه تمایل دارند و به این موضوع به عنوان بازی برد-باخت مقابل شیعیان می نگرند.



۱۴ مارس ۲۰۱۱ عربستان سعودی نیروهای خود را برای حمایت از دولت بحرین به منظور سرکوب معترضان شیعه اعزام کرد. مقامات سعودی و بحرینی به منظور توجیه مداخله و سرکوب مردم بحرین اظهار داشتند که نیروهای شورای همکاری خلیج فارس برای کمک به حفاظت از بحرین در برابر تهدید ایران و جلوگیری از نفوذ این کشور در سیاست‌های داخلی بحرین مداخله کرده‌اند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز خواستار مداخله سازمان ملل برای «توقف کشتار مردم بحرین» شد.

در عین حال پس از انقلاب‌های مصر و تونس، خیزش‌های مردمی در بحرین، امریکا را در تنگنای سختی قرار داد. ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا در بحرین مستقر است و روابط نزدیکی با آل خلیفه دارد. سیاست امریکا در حمایت از رژیم آل خلیفه با منافع راهبردی آن در خلیج فارس در هم تنیده شده است. در عین حال واشنگتن روابط حساس و مهمی با ریاض دارد و نمی‌خواهد بیش از این روابط دو کشور آسیب ببیند، زیرا عربستان از ناکامی امریکا در حفظ رژیم مبارک (به عنوان متحد نزدیک سعودی‌ها) بسیار خشمگین شده است. برآیند این مسائل سبب شده عربستان سعودی، بحرین را به مثابه موضوعی حیاتی ببیند و هر گونه اختلاف میان واشنگتن و ریاض در این باره، پیامدهای مخربی برای روابط دو طرف خواهد داشت. رفتار دولت امریکا در قبال رژیم‌های لیبی و سوریه با رژیم بحرین کاملاً متفاوت است. به منظور متوازن کردن این ملاحظات متضاد، دولت امریکا موضعی مبهم اتخاذ کرد. در این راستا، واشنگتن ضمن انتقاد از رفتار رژیم بحرین با معترضین، نگرانی‌های خود را از نظم و قانون در بحرین و هراس از مداخله بالقوه ایران نیز بیان و در این چهار چوب حمایت خود را از اصلاحات سیاسی و پادشاهی مشروطه اعلام نمود.<sup>۱</sup> برخلاف موارد لیبی و سوریه، امریکا در برخورد با نقض حقوق بشر توسط دولت بحرین خواستار تحریم رژیم منامه نشد. این موضع به عنوان استاندارد دوگانه از سوی ایران و حزب‌الله مورد انتقاد قرار گرفت. سازمان‌های حقوق بشری نیز از این موضع دوگانه واشنگتن انتقاد کردند.

دولت امریکا هراس دارد که افزایش گرایش‌های فرقه‌گرایانه و اقدامات سرکوبگرانه رژیم منجر به گرایش بیشتر شیعیان بحرین برای جلب حمایت ایران شود. باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا در سخنرانی ۱۹ می ۲۰۱۱ عنوان کرد که امریکا منافع ژئواستراتژیک خود را در خلیج فارس قربانی اعتراضات دموکراسی خواهانه در خاورمیانه

۱. گفت‌وگو با محمدرضا فرازمند، سفیر سابق ایران در بحرین) <http://peace-ipsc.org/fa>

کرده است.<sup>۱</sup> دولت امریکا واقف است که در صورت سرنگونی نظام کنونی، بحرین دیگر میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی و متحد راهبردی امریکا نخواهد بود. همچنین با توجه به بافت جمعیتی این کشور، حکومتی شیعه‌نشین و نزدیک به ایران قدرت خواهد یافت و به زعم آنان ضمن تکمیل هلال شیعی، وضعیت محور ژئوپلیتیک مقاومت را بهبود خواهد بخشید.

در مورد سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال خیزش‌های مردمی در بحرین نیز باید گفت نگاه اتحادیه اروپا به مسائل بحرین در چهارچوب راهبردی امریکا و نیز ناتو قابل تفسیر است. اتحادیه اروپا نیاز شدیدی به انرژی خاورمیانه به ویژه حوزه خلیج فارس دارد؛ به همین دلیل علاوه بر بحث‌های ژئواستراتژیک امریکا، از راهبردهای ژئواکونومیک اتحادیه اروپا بر خوردار است. اتحادیه اروپا امنیت صدور انرژی از منطقه را در چهارچوب امنیت اتحادیه تعبیر و تفسیر می‌کند و معتقد است هر اتفاقی جریان آزاد انرژی را در خلیج فارس با مشکل روبه‌رو کند، ضربه نخست را متوجه شیرازه‌های اقتصادی اتحادیه اروپا خواهد کرد. به همین دلیل تحولات سریع در محیط امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس و از جمله بحرین را که منجر به دگرگونی ژئوپلیتیک قدرت می‌شود، با حساسیت بیشتر دنبال می‌کند. اساساً تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه خطی نیست، بلکه در یک وضعیت هندسی بروز و نمود پیدا می‌کند. به بیان ساده‌تر اگر شیعیان به قدرت سیاسی بحرین برسند، منجر به تقویت هندسه ژئوپلیتیک و قدرت شیعه در منطقه خواهد شد که به تبع آن بر جایگاه منطقه‌ای ایران به عنوان الهام‌بخش شیعیان منطقه خواهد افزود.

بی‌توجهی اتحادیه اروپا به همراه امریکا به حرکت‌های آزادی‌خواهانه مردم بحرین نشانه بارز سیاست‌های دوگانه دولت‌های غربی است. اتحادیه اروپا به جای محکومیت دولت بحرین به خاطر سرکوب شهروندان بی‌دفاع و حمایت از خواسته مشروع آنها در برقراری حکومتی قانونی، تنها به بیانیه‌های واضحی بسنده کرده و هیچ اقدام عملی برای بحران سیاسی در بحرین انجام نمی‌دهد. اتحادیه اروپا منافع منطقه‌ای دارد که نیازمند اتخاذ سیاستی طولانی‌مدت و محتاطانه در قبال بحرین است. نادیده گرفتن انباشته شدن نارضایتی‌های مردمی در بحرین باعث به خطر افتادن منافع استراتژیک و طولانی‌مدت اتحادیه اروپا در منطقه خواهد شد. از طرف دیگر، فقدان فشار واقعی

1. <http://www.guardian.co.uk/world/middle-east-live/2011/may/19/barack-obama-middle-east-speech-live> (Barack Obama's Middle East speech)

اتحادیه اروپا منافع منطقه‌ای دارد که نیازمند اتخاذ سیاستی طولانی‌مدت و محتاطانه در قبال بحرین است. نادیده گرفتن انباشته شدن نارضایتی‌های مردمی در بحرین باعث به خطر افتادن منافع استراتژیک و طولانی‌مدت اتحادیه اروپا در منطقه خواهد شد

اتحادیه اروپا بر عربستان سعودی و بحرین در مقایسه با ماجراجویی‌های آنها در قبال ایران تنها باعث عمیق‌تر شدن فضای بی‌اعتمادی میان ایران و غرب خواهد شد.

در عین حال رویکرد رژیم صهیونیستی در قبال خیزش‌های مردمی در بحرین حائز اهمیت است. به طوری که رابطه نزدیک رژیم بحرین با امریکا عموماً به معنای عدم دشمنی آن با رژیم

صهیونیستی است. به طور قطع، جامعه عربی - اسلامی بحرین نیز مطابق با الگوی جوامع عربی که پس از بیداری اسلامی جلوه‌های بیشتری از آن هویدا شد، در راستای آرمان فلسطین و مخالفت با اشغالگری رژیم صهیونیستی حرکت خواهد کرد که شیعه بودن اکثریت جمعیت این کشور و طرفداری آنها از الگوی انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در تظاهرات و اعتراضات، ابعاد جدیدی به هراس رژیم صهیونیستی از تحقق سرنگونی رژیم آل خلیفه بخشیده است؛ زیرا اساساً بحرین با اکثریت جمعیت شیعه (حدود ۷۵ درصد)<sup>۱</sup> عمق ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. فروپاشی رژیم آل خلیفه موجب ارتقای جدی قدرت منطقه‌ای ایران و آسیب رسیدن جدی به سیستم امنیتی خلیج فارس می‌شود که امریکا تغییر آن به نفع جمهوری اسلامی ایران را چالشی راهبردی برای منافع راهبردی خود می‌بیند. به تبع تغییر سیستم امنیتی خلیج فارس اثرگذاری ایران بر مسئله فلسطین نیز به ویژه در فضای قدرت‌یابی جریان‌های اسلام‌گرا در کشورهای انقلاب‌دیده، بسیار بیشتر می‌شود که این مسئله چالشی راهبردی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود. با این تفاسیر رژیم صهیونیستی همسو با سیاست‌های امریکا و متحدانش گزینه حفظ پادشاهی آل خلیفه را مطلوب منافع خود در خاورمیانه می‌داند. در عین حال سیاست خارجی بحرین در قبال رژیم صهیونیستی نیز مبتنی بر میانه‌روی و دستور کار روند صلح مطابق با راهبرد خاورمیانه‌ای امریکاست. به طور طبیعی رژیم صهیونیستی به دلیل اینکه جمهوری اسلامی ایران را دشمن خود می‌داند، از قدرت‌یابی طرفداران و به ویژه شیعیان در خاورمیانه هراس دارد. بنابراین، راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در

۱. این میزان، در اطلس جهانی ۷۵ درصد کل جمعیت برآورده شده است. البته در کتاب‌های مختلف، درصد شیعیان از ۵۰ تا ۷۵ درصد متغیر است.



سایه رقابت‌های ایدئولوژیک میان ایران و عربستان، نگرانی ریاض از گسترش اندیشه‌های انقلابی ایدئولوژی شیعی در داخل عربستان و کشورهای خلیج فارس به ویژه در بحرین و کویت تشدید شد و تحولات پس از انقلاب اسلامی ایران در منطقه سبب شد ریاض در جنگ تحمیلی کمک‌های بسیاری به عراق کند

قبال بحرین نیز در ادامه تفسیر امنیتی این رژیم از خاورمیانه قرار دارد. به ویژه آنکه رژیم بحرین همواره پس از انقلاب اسلامی ایران از الهام‌بخشی الگوی انقلاب اسلامی احساس خطر کرده و جمهوری اسلامی ایران را به مداخله در امور داخلی خود (به ویژه اقدامات حزب‌الله لبنان در بحرین با هدایت ایران) متهم کرده است. جلوه‌های این رویکردها را می‌توان در اظهارات و موضع‌گیری‌های رژیم بحرین پس از خیزش شیعیان این کشور دید؛ به طوری که شیخ خالد بن حمد آل خلیفه وزیر خارجه بحرین در گفت‌وگو با روزنامه واشنگتن پست از رژیم صهیونیستی نیز دفاع کرد و گفت:

با وجود اختلافاتی که با اسرائیل داریم، نباید توافق‌نامه‌های صلح با اسرائیل را کنار بگذاریم... حتی اگر از کسانی که در رأس حکومت اسرائیل هستند نیز خوش‌مان نیاید، اما در نهایت، این کشوری است که می‌تواند شریک خوبی باشد و در آینده می‌توان با آن تعامل داشت.<sup>۱</sup>

همچنین در موردی مهم‌تر که نشان‌دهنده هم‌سوایی راهبردهای امنیتی - نظامی رژیم بحرین است، می‌توان به برگزاری رزمایش‌های نظامی بحرین با رژیم صهیونیستی و امریکا اشاره کرد. این تمرین‌های نظامی سال گذشته و در یک پایگاه سری نظامی امریکایی در شمال ایالت کالیفرنیا انجام شده که تمرکز آنها بر آموزش جدیدترین شیوه‌های سرکوب اعتراض‌ها و نیز حذف شخصیت‌های معارض بود. نیروهای مشترک بحرینی و امریکایی و اسرائیلی آموزش‌هایی درباره نحوه هماهنگی میان کشورها و تحرک در چهارچوب‌های منطقه‌ای در صورت بروز خطرهایی که رژیم‌های سیاسی منطقه را تهدید می‌کند، دریافت کردند.<sup>۲</sup> در واقع رژیم بحرین ایران را دشمن مشترک خود و رژیم صهیونیستی می‌داند و تمایل خود برای اشتراک راهبردهای امنیتی خود با رژیم صهیونیستی در مقابله با ایران را پنهان نکرده است. به طوری که پادشاه بحرین اعلام کرد: «ایران دشمن مشترک بحرین و اسرائیل است».<sup>۳</sup> همچنین سفیر بحرین

1. <http://fa.alalam.ir/node/28751/feed.rss> (اسرائیل شریک خوبی برای ماست)

2. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901113000053>

3. <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1506222>



در بلژیک، احمد محمد الدرسی در کنفرانس پارلمان یهودیان اروپا در بروکسل گفت: «بحرین از تمام جامعه جهانی از جمله اسرائیل می‌خواهد که در مقابله جاری آن با ایران در کنارش باشند»؛ و هدی عزرا نونو، سفیر بحرین در واشنگتن نیز گفت: «احساس می‌کنم اینجا پارلمان یهودی و بهترین تریبون برای تحریک موضوع دشمنی ایران باشد».<sup>۱</sup> از سوی دیگر، در پی توقف کوتاه‌مدت فروش تسلیحات امریکایی به بحرین، شرکت‌های تسلیحاتی رژیم صهیونیستی برای تأمین سلاح‌های مورد نیاز بحرین وارد بازار اسلحه این کشور شده‌اند. کارشناسان و مربیان این رژیم به منظور آموزش نیروهای امنیتی بحرین در استفاده از این سلاح‌ها برای سرکوب انقلابیون بحرینی وارد این کشور شده‌اند.<sup>۲</sup>

ترکیه نیز یکی دیگر از بازیگران مهم خارجی صحنه بحرین به شمار می‌رود که در فضای تحولات انقلابی جهان عرب اهداف ژئوپلتیک خود را به پیش می‌برد. در مورد سیاست‌های این کشور در قبال خیزش‌های مردمی در بحرین نیز باید گفت قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه خاورمیانه در اولویت سیاست خارجی ترکیه قرار نداشت. اما پس از قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه، رویکرد این کشور به خاورمیانه و جهان اسلام اهمیت راهبردی یافت؛ به این معنا که این حزب توانست ناکامی‌های ورود به اتحادیه اروپا را در این حوزه ژئوپلتیک جبران کند. به همین جهت بسیاری از تحلیل‌گران، ورود ترکیه به حوزه شرقی و به ویژه خاورمیانه را در چهارچوب نظریه نوع‌مانی‌گرایی تفسیر و تحلیل می‌کنند. ترک‌ها در تحولات جهان عرب در سطوح مختلف رویکرد خود را ظهور و بروز دادند. دولت ترکیه در مسئله مصر و تونس به عنوان حامی جدی مخالفان ظاهر شدند و در مسئله لیبی با تأخیر عمل کردند. به علاوه، در مسئله سوریه در تقابل با ایران و تعامل با عربستان و قطر به طور جدی جانب مخالفان را گرفتند، اما در مسئله بحرین سیاستی دووجهی را به نمایش گذاشتند؛ به طوری که رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه در بدو اعتراضات مخالفان و سیاست مشت آهنین رژیم آل‌خلیفه سیاست محکوم کردن سرکوب‌ها را در پیش گرفت و گفت: «ما خواهان کربلائی دیگر در منطقه نیستیم و حوادث اخیر در بحرین احتمالاً شبیهه عواقب کربلا خواهد بود».<sup>۳</sup> اما وجه دیگر سیاست خارجی ترکیه با گذشت چند ماه از خیزش‌های مردمی در بحرین توسط احمد داوود اغلو، وزیر خارجه به نمایش گذاشته

1. [www.javanonline.ir/vdcewv8evjh8poi.b9bj.htmlCached](http://www.javanonline.ir/vdcewv8evjh8poi.b9bj.htmlCached)

2. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910225001387>

3. <https://www.tabnak.ir/fa> (اردوغان بحرین را به کربلا تشبیه کرد)

شد که در آن بحران بحرین بیشتر در چهار چوب مداخلات همسایگان (ایران) تفسیر و تبیین شد و در این رویکرد ترک‌ها در کنار حاکمیت بحرین قرار گرفتند و شرایط را برای تحرکات دیپلماتیک در سطوح عالی بین دو کشور فراهم کردند؛ تا جایی که در آن بحبوحه وزیر خارجه و سپس پادشاه بحرین به ترکیه سفر کرد و مورد استقبال گرم مقامات ترک قرار گرفتند. در واقع، سیاست ترکیه در قبال مسائل بحرین را می‌توان در سه سطح تعبیر و تفسیر کرد: نخست، ترکیه بازیگر مؤثر و تعیین کننده در معادلات سیاسی و امنیتی بحرین محسوب نمی‌شود، اما به عنوان یک بازیگر مکمل برای سایر بازیگران از جمله عربستان و امریکا می‌تواند نقش آفرینی کند. ترک‌ها در مرحله اول تلاش کردند که بین ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر مهم و متضاد صحنه بحرین نقش متوازن کننده ایفا کنند، اما به تدریج رویکردشان تعبیر ژئوپلتیک گرفت و اولویت خود را در این نقش تغییر دادند. دوم، کشورهای عربی از جمله عربستان با توجه به امتیازات مالی که در اختیار مالی ترک‌ها قرار می‌دهند، انتظار دارند که ترکیه در رقابت جهان عرب با ایران یا به تعبیری در رقابت جهان سنی و جهان شیعه در پازل سنی‌گرایی قرار گرفته و به نوعی منافع راهبردی آنها را هدایت کند. در شرایط کنونی، کشورهای عربی در رقابت با ایران قابلیت سیاسی لازم را در خود نمی‌بینند. به همین دلیل تلاش می‌کنند از جایگاه سیاسی ترکیه در سیاست بین‌الملل بهره ببرند. در این زمینه نیز تا حدودی تلاش می‌کنند ترکیه را ترغیب کنند که از مواضع کشورهای عربی و به ویژه عربستان جانبداری کند. سوم، ترکیه به لحاظ بزرگی دومین ارتش ناتو به شمار می‌رود. در عین حال این کشور به عنوان عضو ناتو مجبور است در چهار چوب‌های راهبردهای ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک ناتو حرکت کند و با توجه به اینکه بحرین نیز در ترتیبات امنیتی ناتو در منطقه (به ویژه با توجه به استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا در بحرین) جایگاه مهمی دارد، ترک‌ها به عنوان عضو خاورمیانه‌ای این سازمان مجبورند از سیاست‌های ناتو در این کشور حمایت کنند.

### نتیجه‌گیری

شکست‌گفت‌وگوهای غیر رسمی میان ولیعهد و معترضین و نیز شدت سرکوب‌ها در این کشور، بحرین را به سرکوبگرترین رژیم در میان شش کشور شورای همکاری خلیج فارس تبدیل کرد. اگرچه رژیم بحرین احساس می‌کند با اقدامات سرکوبگرانه توانسته اپوزیسیون را مهار کند، اما این به مثابه پیروزی قاطع خاندان سلطنتی نیست

و بر عکس این رفتار بی‌ثباتی و به احتمال بسیار فروپاشی رژیم آل‌خلیفه را به همراه خواهد داشت.

محتمل‌ترین سناریو برای آینده بحرین در کوتاه‌مدت ترکیبی از سیاست‌ها و اعتراضات خیابانی است. با وجود این، نتیجه‌گفت‌و‌گویی ملی‌نقشی تعیین‌کننده در این باره خواهد داشت

جمعیت تجمع ملی و دموکراتیک نماینده جریان بعثی‌ها در بحرین به شمار می‌آید و فعالیت خود را از سال ۱۹۷۲ در بحرین آغاز کرده است. این مجمع در کنار انقلاب مردمی بحرین قرار گرفته و از ادامه تظاهرات مسالمت‌آمیز تا رسیدن به خواسته‌ها حمایت می‌کند

که به طور مشخص به دلیل اینکه رژیم بحرین توجه به خواست‌های بنیادین شیعیان را معادل فروپاشی خود می‌داند، همچنان از تاکتیک گفت‌و‌گویی ملی به منظور آرام و مهار کردن شرایط ملت‌هت‌داخلی استفاده خواهد کرد. در عین حال عدم تحقق خواست‌ها و حقوق بنیادین شیعیان به عنوان جمعیت اکثریت و نیز حرکت بحرین به سوی اتحاد با عربستان در قالب کنفدراسیون می‌تواند زمینه‌ساز اعتراضات خشونت‌آمیز شود.

به علاوه، احتمال یک واکنش مردمی خشونت‌آمیز اندک است، زیرا مردم بحرین برخلاف مردم سایر کشورهای منطقه از جمله یمن کمتر مجهز به سلاح هستند. این در حالی است که به دست آوردن تسلیحات کار آسانی نیست. همچنین موانع آشکاری برای نظامی شدن این اعتراض‌ها وجود دارد؛ زیرا موقعیت جغرافیایی بحرین سبب شده قاچاق اسلحه از طریق خشکی بسیار دشوار شود. در عین حال، آب‌های اطراف بحرین به وسیله نیروهای گشت دریایی به شدت محافظت می‌شوند. تنها تعداد اندکی از معترضان شیعه خود را مسلح کرده‌اند. سنی‌ها که از اعتراضات شیعیان هراس دارند، به وسیله ارتباطاتی که با نیروهای دستگاه امنیتی دارند توانسته‌اند به سلاح دست یابند. مقامات امنیتی خلیج فارس نگران هستند که رادیکال شدن شیعیان به مبارزات مسلحانه بی‌انجامد.

